خداحافظی ارشادی با «نیلگون»

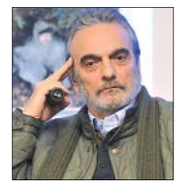

همزمان با نزدیک شدن به ادامه ضبط سکانس‌های فیلم سینمایی نیلگون در تهران، بازی همایون ارشادی در این فیلم به پایان رسید.

به گزارش جام جم، همایون ارشادی با پایان یافتن ایفای نقش خود در جزیره قشم با گروه فیلمبرداری فیلم سینمایی نیلگون خداحافظی کرد و پس از سریال مانکن دومین تجربه همکاری خود با حسین سهیلی زاده و ایرج محمدی را به اتمام رساند.

گروه تولید در چند روز آینده با ورود به تهران ادامه ضبط سکانس‌های دیگر فیلم سینمایی نیلگون را آغاز می کنند.

محمدرضا فروتن، میترا حجار، همایون ارشادی، سام درخشانی و آناهیتا درگاهی از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند که در این اثر سینمایی ایفای نقش می کنند.

نیلگون به قلم بابک کایدان برشی از زندگی عاشقانه یک زن و مرد است.

تکمیلی

کل فرآیند قانونی است

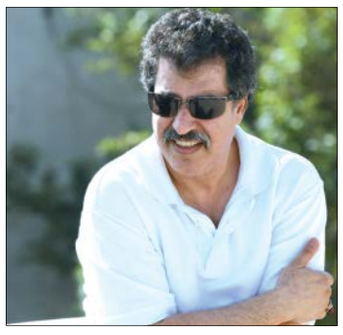

اصلا دوست نداشتم این فیلم که یک پروژه ملی است به حاشیه کشیده شود. چون سینمای ایران نه امروز بلکه همیشه به جای این‌که در متن زندگی کند در حاشیه زندگی کرده است و عجیب است که از این دست وپا زدن در حواشی هم خسته نمی شود. من برای این‌که به خصوص در مورد این فیلم خاص از حاشیه پرهیز کنم، در آن‌زمان صحبتی نکردم و آقای رئیسیان هم مسیر قانونی را هم از طریق وزارت ارشاد و هم خانه سینما رفتند و نتیجه هم اعلام شد.

در حکم نهایی شورای عالی داوری هم به همین موضوع اشاره شده که حتما در تیتراژفیلم نام آن مجموعه مستند به عنوان یکی از منابع مورد استفاده آورده شود. وظیفه اخلاقی و قانونی من آوردن نام ایشان و دکتر شهبا و مستند «بیست و سه نفر» در تیتراژ فیلم‌ام بود که از ابتدای کار هم می‌خواستم این کار را انجام دهم.

در تمام این یک سال هر جا مصاحبه کردم گفتم که منابع من، مستند «بیست و سه نفر»، کتاب ملاصالح قاری، کتاب آقای یوسف زاده و خود ۲۳ نفری هستند که در حال حاضر زندگی می‌کنند. این‌طور نبود که ما ۱۵ سال پیش مستندی از زندگی این بیست و سه نفر ساخته‌ایم و حالا بعد از ۱۵ سال آمده‌ایم تا فیلم‌شان را بسازیم.

نخیر، من در تمام این سال‌ها ارتباطم را با این دوستان حفظ کردم و به کمک همین دوستان نکات مهمی که در فیلم جا افتاده بود را در آن گنجاندم و خودم شخصا معتقدم حق و حقوقی هم اگر باشد (چه مادی و چه معنوی) متعلق به خود همین بیست و سه نفر است که خوشبختانه به غیر از یک نفرشان همگی زنده هستند.

حساسیتی که آن‌زمان ایجاد شد شاید به این دلیل بود که چون خود من مستند «بیست و سه نفر» را کارگردانی کرده بودم انگار که الان می‌خواهم بدون اجازه آقای رئیسیان این فیلم را هم بسازم! در صورتی که خود افراد بیست وسه نفر چنین حقی را به هیچ وجه به ایشان واگذار نکرده‌اند.

آقای رئیسیان هنوز هیچ‌یک از این افراد را از نزدیک ندیده‌اند و نمی‌شناسند فقط به صرف این‌که عنوان تهیه کنندگی مجموعه مستندی را در تلویزیون داشته اند خود را مالک معنوی ومادی این موضوع می‌دانند! لازم است بگویم بنده پیش از ساخت فیلم موافقت کتبی تمام این بیست و سه نفربه علاوه آقای صالح قاری را گرفتم که بعدا حرف و حدیثی نباشد.

البته که من همیشه وامدار آقای شهبا محقق اولیه این مستند و آقای رئیسیان هستم که به من اعتماد کردند و آن زمان پیشنهاد ساخت مستند «بیست و سه نفر» را به من دادند. از همان موقع که من درگیر این داستان شدم به شدت احساس می‌کردم که این موضوع پتانسیل یک درام سینمایی را دارد، اما درگیر مستند بودم و از آنجا که این داستان جهان شلوغ و پیچیده ای داشت نمی دانستم چطور می‌توان آن را کار کرد.

دو سال بعد از پخش این مستند از شبکه چهار، طرح این کار را در خانه سینما ثبت کردم و از همان موقع به دنبال نگارش فیلمنامه و مراجعه به نهادهای مختلف برای جذب همکاری بودم. سال ۹۰ بود که یک بار به اتفاق آقای محمد آفریده به توافقی برای ساخت این فیلم با همکاری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی رسیدیم و یکی دو بار هم این پروژه تا پای کار رفت، اما به‌دلیل مشکلات مالی سازمان یا دلایل دیگر که شاید من از آن بی‌اطلاع هستم کار به نتیجه نرسید.

نزدیک به هفت سال و نیم پروژه در آنجا معلق ماند و البته من طی این مدت هم به طور موازی با مراکز دیگر در تماس بودم که ببینم آیا می‌شود این پروژه را با حمایت سازمانی دیگر ساخت یا نه. در سال ۹۷ بعد از این‌که ساخت این فیلم به مسؤولان سازمان هنری رسانه ای اوج پیشنهاد شد آنها استقبال کردند و این کار شروع شد.

نمایی از فیلم «بیست‌وسه‌نفر» به کارگردانی مهدی جعفری

گفت‌وگو با مهدی جعفری، کارگردان فیلم «بیست و سه نفر»

هشتاد میلیون و ۲۳ نفر!

خاطرم هست زمان ساخت فیلم «بیست و سه نفر»، آقای علیرضا رئیسیان، تهیه‌کننده مستند «۲۳ نفر» ادعای حقوق مالکیت مادی فیلم را مطرح کرده بودند و حتی کار به خانه سینما هم کشید. این ماجرا در نهایت به کجا ختم شد؟

خیلی کلی عرض کنم که هیچ امر غیراخلاقی در مسیر ساخت فیلم «بیست و سه نفر» صورت نگرفته است. من در مستند «بیست و سه نفر» به تهیه کنندگی علیرضا رئیسیان به عنوان نویسنده، مجری طرح و کارگردان حضور داشتم و در جریان جزئیات کار بودم. بنابراین بنده هیچ‌وقت منکر نقش آقای رئیسیان در به ثمر رسیدن آن مستند نشده‌ام. بالاخره ماجرایی که آقای رئیسیان مطرح کرده بودند هم به خانه سینما کشیده شد و خانه سینما در آخرین رایی که صادر کرد حق معنوی که به آن مجموعه مستند مربوط می‌شد را متعلق به ایشان دانستند که منافاتی با ساخت فیلم سینمایی بیست وسه نفر نداشت چون ایشان هیچ مدرک معتبری دال بر داشتن حق امتیازانحصاری خاصی برای این موضوع را نداشتند.

البته تا جایی که من اطلاع دارم آقای رئیسیان اعلام کرده بودند: «حق امتیاز تصویری مجموعه مستند «گروه ۲۳ نفر» متعلق به ایشان است و هرگونه استفاده از آن بدون مجوز از سوی خود ایشان غیرقانونی و غیراخلاقی است»!

بگذارید یک قاعده کلی را با هم مرور کنیم. قاعده کلی این است که صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران یک مستندی را ساخته. طبق قراردادهای این سازمان با تهیه‌کننده‌ها، هر کسی بخواهد از مواد و متریال این مستندها و برنامه‌ها برای ساخت فیلم یا برنامه دیگری بهره ببرد باید از سازمان اجازه بگیرد یا آن را بخرد؛ این واضح است که سازمان در برنامه‌هایش هیچ‌گونه رایتی را به هیچ تهیه‌کننده‌ای واگذار نمی‌کند. من به واسطه این‌که مستند «بیست و سه نفر» را خودم در تلویزیون ساخته بودم به لحاظ اخلاقی باید در فیلم بلند سینمایی هم از مجموعه مستند «بیست و سه نفر» به عنوان یکی از منابع مورد استفاده در تیتراژ نام می بردم که این کار را کرده ام. اما ظاهرا ادعای آقای رئیسیان فراتر از این حرف‌ها بوده است.

> **جعفری:**
> با تنها بازیگری که راجع به این نقش صحبت کردم پرویزپرستویی بود. به این دلیل در جریان زندگی صالح قاری بود، دوستش بود و خود صالح قاری هم دلش می‌خواست که اگر قرار است روزی فیلمی از زندگی‌اش ساخته شود پرویزپرستویی نقشش را بازی کند

گفتید با سازمان‌های مختلفی برای ساخت این فیلم رایزنی کردید. دلیل مخالفت یا نگرانی این سازمان‌ها در عدم حمایت از شما چه بود؟

هیچ کس و هیچ نهادی نگفت که من این موضوع را دوست ندارم. هر کسی که شنید برایش جالب بود که چرا چنین موضوعی تا به حال فیلم نشده! اما واقعیت این است که میدان حرف با عمل متفاوت است و در نهایت فکر می کنم اگر این پروژه طی این سال‌ها ساخته نشده، حتما خواست خداوند بوده چون طی این سال‌ها هم من به پختگی بیشتری رسیدم و هم این امکان بوجود آمد تا عواملی که برای این کار گرد هم می آیند از همدلی بیشتری برخوردار باشند. در سال ۹۷ هم که با دوستان اوج به نتیجه رسیدیم و کار شروع شد این‌طور نبود که همه چیز به راحتی پیش برود. چنین اقتباس‌هایی مشکلات جانبی خودش را دارد؛ از جمله این‌که این فیلم برگرفته از زندگی واقعی ۲۳ نفر است و من باید طوری کار می کردم که بعدا بتوانم جواب تک تک شان را بدهم. شما فکر کنید اقتباس از زندگی یک نفر چه محدودیت‌هایی دارد، حالا من در این فیلم این محدودیت‌ها را با بیست و سه نفر ونه بلکه با ۲۳ نفر داشتم که البته خدا را شکر تا پایان کار به هیچ مشکلی با هم بر نخوردیم و اغلب این دوستان از نتیجه فیلم راضی بودند. مسأله دیگر وجود شرایط سخت برای ساخت فیلم‌های دفاع مقدسی یا به نوعی فیلم‌هایی است که به بازسازی تاریخ معاصر می پردازند. شاید برخی دوستان که از بیرون نگاه می کنند با خود می گویند که خب اینها بودجه‌های حمایتی و دولتی گرفته‌اند و حتما سپاه هم کمکشان کرده است و...، اما کافی است یک روز درگیر ساخت یک صحنه از چنین پروژه‌هایی باشید تا از انواع مشکلات و کمبودهای موجود بر سر راه آنها متعجب شوید!

به نکته خوبی اشاره کردید. تماشاگری که کارهای قبلی شما را دیده و وقتی یک‌دفعه با این فیلم ملی مواجه می شود، ممکن است انگ سفارشی بودن فیلم هم به شما بزند و بگوید شما امروز دیگر به یک فیلمساز سفارشی سازارگانی تبدیل شده‌اید!

من اساسا با ابداع و اختراع کلمات و عباراتی که طیف سازی می‌کند، خودی و غیرخودی می‌کند و دسته بندی می‌کند مخالف هستم. این عبارات خواسته و ناخواسته از سوی هر دو جناح در این دهه‌های اخیر باب شده است، اما من مخالفش هستم. در مورد شخص خودم اما، می‌توانم بگویم که بنده شاید تا آخر عمرم دوست داشته باشم با یک باور خاص در حوزه دفاع مقدس کار کنم ولی به هیچ‌وجه وابسته به نهاد یا ارگان خاصی هم نباشم این‌گونه وابستگی‌ها انگیزه‌های لازم و خاستگاه درست برای رسیدن به نگاه واقعگرایانه و بی طرفانه به حقایق دوران دفاع مقدس را از میان بر می‌دارد. چنین برچسب‌هایی ضمن این‌که هیچ توجیه و مبنایی ندارند دست و بال فیلمساز را هم می بندد ونکته دیگر هم این‌که بهتر است اگر کاری بلدیم انجام دهیم کارمان را به درستی انجام دهیم و کاری به کار حرف‌ها و حاشیه‌ها نداشته باشیم. اگر با عشق و علاقه کار کنیم احتمالا نتیجه نهایی کار ما پاسخ حواشی کاذب را خواهد داد.

به عبارت دیگر صرفا اعتقاد به ساخت فیلمی دارید که به نوعی تیشه به ریشه سینما نزند؟

به طور کلی برخی ازسینماگران بیشتر از این‌که به فکر ساختن فیلم خوب باشند، به فکر هیاهو با همین عناوین و دسته‌بندی ها هستند که اساسا ارزشی هم ندارد. چرافلانی با پول فلان جا فیلم ساخت؟! چرا آن یکی با پول نفت آنجا فیلم ساخت؟! و هزار چرای دیگر! کسی بدش نمی‌آید که سینمای ایران هم روزی مثل سینمای دنیا به استقلال اقتصادی و پویا دست یابد اما به شرط آن‌که با حذف نمادین پول نفت وابستگی بیمارگونه این سینما در چرخه پول مشکوک دیگری و در چنگ خواص منفعت طلب دیگری گیر نیفتد. به نظرم تنها نکته مهم در عرصه تولیدات سینمایی ساخت فیلم خوب است تنها همین وبس حالا چه با سرمایه دولتی چه با سرمایه خصوصی.

برویم سراغ فیلم «بیست و سه نفر»؛ در وهله اول بفرمایید این گروه بازیگر نوجوان را از کجا و چطور پیدا کردید؟

وقتی در طول این سال‌ها به ساخت فیلم «بیست و سه نفر» فکر می کردم چالش‌های متعددی را پیش روی خودم می‌دیدم که یکی از آنها موضوع بازیگری بود. این‌که من چطور باید ۲۳ بازیگر نوجوان را پیدا کنم که بتوانم آنها را در حال و هوای آن دوران ببرم. اتفاقی که افتاد این بود که تیم خوبی تشکیل شد. جمشید بهمنی عزیز، به واسطه سال‌ها فعالیت در تئاتر و سینما به عنوان بازیگردان به ما پیوستند که ایشان ابتدا سطح بازی نوجوان‌ها را با هم یکسان کردند و سپس وارد مرحله تمرین‌های اصلی شدیم.

نگفتید از کجا این بازیگران را پیدا کردید؟

من از ابتدا می‌خواستم که نوجوانان فیلم لهجه داشته باشند. لهجه‌هایی که به واقعیت بیست و سه نفر اصلی نزدیک بود. بنابراین در شهرهایی که زادگاه واقعی همین بچه‌ها بود فراخوان دادیم و پروسه‌ای طی شد که بچه‌ها انتخاب شدند. بنابراین ما این بچه‌ها را از کرمان، سیرجان، مازندران، قشم و... انتخاب کردیم و پراکندگی خاص جغرافیایی داشتیم. البته در خلال تمرین‌هایی که داشتیم علاوه بر مستند «بیست و سه نفر» فیلم‌های دیگری هم از آن دوران به بچه‌ها نشان دادیم و به آنها آموزش نظامی دادیم که به نوعی با حال و هوای آن دوران آشنا شوند. این بچه‌ها خروجی درخشانی داشتند که همیشه گفته‌ام اگر صبوری و تحمل این بچه‌ها در تحمل سختی‌ها نبود این خروجی حاصل نمی شد.

برای بازیگر نقش ملاصالح چطور شد که از خودشان برای بازی در فیلم دعوت نکردید؟

منظورتان شاید این باشد که چرا یک بازیگر ناشناخته را برای نقش ایشان انتخاب کردیم! خب، ماجرا به این برمی‌گردد که قرار بود جهان فیلم را تا جایی که ممکن است به واقعیت نزدیک کنیم و در جاهایی هم البته از تصاویر مستند و آرشیوی استفاده کنیم و بر این مبنا بازیگران باید نقش‌هایشان را زندگی می کردند و نه بازی. به بچه‌ها این مسأله را گوشزد کردیم و آنها هم به خوبی از عهده آن برآمدند. می‌ماند یک نقش اصلی دیگر: ملاصالح قاری که طرح‌های مختلفی در میان بود. دوستان پیشنهاد دادند که از یک بازیگر چهره استفاده کنیم که فیلم در گیشه شکست نخورد. ایده درست بود، اما من فکر کردم که ممکن است استفاده از بازیگر چهره جهان واقعی وباورپذیر فیلم را بهم بزند.

پس با هیچ بازیگر چهره‌ای برای این نقش صحبت نکردید؟

چرا، با تنها بازیگری که راجع به این نقش صحبت کردم آقای پرویز پرستویی بود. به این دلیل که ایشان در جریان زندگی صالح قاری بود، دوستش بود و خود صالح قاری هم دلش می‌خواست اگر قرار است روزی فیلمی از زندگی‌اش ساخته شود پرویز پرستویی نقش‌اش را بازی کند. من هم ابتدا قبول کردم خلاصه این موضوع را با آقای پرستویی مطرح کردیم. ایشان سفری در پیش داشتند و قسمت نشد و من هم گفتم حالا که آقای پرستویی نمی‌توانند سر این کار باشند هیچ بازیگر چهره دیگری را لازم نداریم و بهتر است بازگردیم به ایده استفاده از بازیگران دیده نشده. به هر حال تقدیر ما را برد به سمت آقای سعید آلوعبادی که از دوستان خودم بودند و از فعالان و بازیگران تئاتر. وقتی جریان را با او در میان گذاشتیم، هم ایشان و هم ما ریسک کردیم ولی در نهایت اتفاق خوبی افتاد.

بعد از اتمام فیلم، پرویز پرستویی آن را دید؟

بله، همین چند ماه پیش بود که در جایی بودیم و فیلم را دیدند. ایشان از فیلم خوششان آمده بود و نکته جالبی که گفتند این بود که: «چه اتفاق خوبی افتاد که من در این فیلم بازی نکردم» و من واقعا خیالم راحت شد که انتخاب اشتباهی انجام نداده ام. زندگی صالح قاری بسیار پر فراز و نشیب است و من شاید ۱۰ تا ۲۰ درصد آن را در این فیلم به تصویر کشیدم.

خب، مسأله همینجاست. تماشاگر از جایی که می فهمد ملاصالح بی طرف است احساس دلسوزی نسبت به او پیدا می‌کند. صالح قاری به نظرم شخصیت پیچیده‌ای دارد و شاید به نوعی کامل‌ترین شخصیت این فیلم است. چرا شما در حالی که می‌توانستید روی این شخصیت بیشتر تمرکز کنید خیلی به جزئیات آن نپرداختید؟

صالح قاری قطعه ۲۴ این داستان است که آن را کامل می‌کند. من در ۸ سالی که بارها و بارها این داستان را بازنویسی کردم به این فکر می کردم که تا کجا می‌توانم به داستان این مرد در ماجرای بیست و سه نفر بپردازم. داستان زندگی خود صالح قاری شاید جذاب‌تر از زندگی بیست و سه نفر باشد که جای پرداختی جداگانه و مجزا دارد. از سویی دیگر هم نمی‌شد به داستان این بیست و سه نفر پرداخت و چیزی از صالح قاری نگفت. چون زندگی صالح قاری به دلیل گره‌ای که با این بیست و سه نفر می خورد به چالش‌های بزرگی می افتاد. بنابراین تقدیر این افراد را به نوعی کنار هم چیده بود که از هم تفکیک ناپذیر بودند و در نهایت به این نتیجه رسیدم که من الان می خواهم داستان بیست و سه نفر را بیان کنم. به همین خاطر صالح قاری می شود داستان فرعی و در نتیجه به فرمی که در فیلم دیدید رسیدم.

امیدوارم الان دیگر زندگی روی خوش‌اش را به ایشان نشان داده باشد!

خدا را شکر مستند «بیست و سه نفر» باعث شد که سرنوشت این مرد تغییر کند. دید مردم به ایشان تغییر کرد وشهرت ایشان ابعادی کشوری و ملی پیدا کرد. الان دیگر خیلی‌ها او را می شناسند و به نظرم چیزی که او را نجات داد ایمان و توکلش به خدا بود. امروز دیگر شائبه ای که در مورد خیانت شان وجود داشت از بین رفته و او یک قهرمان ملی است.

کلا چه حرفی را می‌خواستید با ساخت فیلم «بیست و سه نفر» بزنید؟

من از ۱۱ سالگی تئاتر و از ۱۴ سالگی سینما کار کردم و بیشتر از خیلی‌های دیگر دغدغه سینما دارم تا حرف. اما به اعتقاد من هیچ فیلمی بدون این‌که محتوایی به دست مخاطبش بدهد یا روی مخاطب تاثیر بگذارد فیلم کاملی نیست. و هیچ محتوایی بدون این‌که در قالبی با ساختار درست قرار بگیرد موثر واقع نمی شود. به عبارت دیگر فرم و محتوا یک رابطه ساختاری و توامان با یکدیگر دارند که همدیگر را می‌سازند. بنابراین من معتقدم یک فیلمساز نباید راجع به فیلمش زیاد حرف بزند. اگر او خواسته حرفی بزند باید آن را با فیلمش بیان کرده باشد نه با سخنرانی و حرف. فقط در این حد بگویم که قصه «بیست و سه نفر» یکی از آن داستان‌های ملی در تاریخ معاصر ماست که لایه‌های گوناگونی دارد. ذات این داستان به فرهنگ ایرانیاسلامی یک تمدن بزرگ اشاره می‌کند. بی‌انصافی است که چنین داستان‌هایی را زیر پرچم جناح خاصی ببریم. اگر ما معتقدیم که مسائلی که به دوران دفاع مقدس مربوط می شوند ذات و خاستگاه درستی داشته‌اند و به اصطلاح پدیده‌هایی ارزشمند به شمار می روند، کافی است که در فیلم‌هایمان هم این درستی و ارزش را به درست ترین شکل ممکن به تصویر بکشیم. مباحث زیادی در حوزه دفاع مقدس اتفاق افتاده که بعدا هر جناحی خواسته آن را به نفع خودش مصادره کند. در حالیکه این از حقیقت دوران دفاع به دور است. دفاع مقدس متعلق به یک ملت و یک مقطع تاریخی است که اثرات و برکاتش باید برای آیندگان و تاریخ آن ملت بماند و نه یک جناح خاص.

با تقدیر از فیلم شما در جشنواره فجر گذشته، کار شما به عنوان کارگردان در فیلم بعدی سخت‌تر و انتظارات جامعه سینمایی و البته مخاطبان از مهدی جعفری بیشتر می‌شود. برای فیلم بعدی خود چه برنامه‌ای دارید؟

خیلی صادقانه بگویم که وقتی «بیست و سه نفر» را می ساختم نه به جشنواره فکر می کردم، نه جایزه. من وقتی فیلمی می‌سازم تمام تلاشم را می‌گذارم اتفاقی که باید بیفتد، به درستی بیفتد. جشنواره‌ها سلیقه‌ای و موفقیت‌ها نسبی است. با حفظ احترام به جشنواره فجر که نقش مهمی در سینمای ما دارد، می خواهم بگویم که جشنواره‌ها صرفا فرصت خوبی برای بده بستان بین فیلمساز و تماشاگر هستند.